

رابطه ادراک از والدین و خلاقیت اجتماعی در کودکان با واسطه‌گری باورهای انگیزشی در روابط دوستانه

دکتر محبوبه البرزی*

دانشگاه شیراز

چکیده

پژوهش حاضر در قالب یک مدل علی رابطه‌ی ادراک از والدین (ادراک کودک از مادر و پدر) و خلاقیت اجتماعی با واسطه‌گری باورهای انگیزشی در روابط دوستانه را مورد بررسی قرار داد. شرکت کنندگان این پژوهش ۲۶۰ دانش آموز دختر و پسر بودند که از دانش‌آموزان کلاس پنجم مقطع ابتدایی در چهار ناحیه آموزش و پرورش شهرستان شیراز بصورت خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. این گروه به وسیله مقیاس ادراک کودک از والدین، پرسشنامه خودگردانی در روابط دوستانه و سنجش خلاقیت اجتماعی مورد ارزشیابی قرار گرفتند. یافته‌های حاصل از تحلیل مسیر مدل نشان داد که ادراک کودک از والدین چه به صورت جداگانه و چه به صورت همزمان پیش‌بینی‌کننده‌ی باورهای انگیزشی در روابط دوستانه بودند. ادراک از مادر پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار سبک تنظیم کنترلی و ادراک از پدر پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار سبک تنظیم خوداستقلالی بود. علاوه بر این ادراک از پدر بصورت مستقیم و معنادار نیز خلاقیت اجتماعی را پیش‌بینی نمود. بررسی نقش واسطه‌ای باورهای انگیزشی، نشان داد که باورهای خود استقلالی، در مقایسه با سایر باورهای انگیزشی، سهم واسطه‌ای بیشتری، بین متغیرهای برون زاد و خلاقیت اجتماعی ایفا می‌کنند. در مجموع پژوهش حاضر نقش والدین، به ویژه پدران را در خلاقیت اجتماعی با واسطه‌گری باورهای انگیزشی روابط دوستانه تأیید نمود. بحث تفصیلی پیرامون نتایج در اصل مقاله آورده شده است.

واژه‌های کلیدی: خلاقیت اجتماعی، ادراک از والدین، باورهای انگیزشی، روابط دوستانه.

* دانشیار بخش مبانی تعلیم و تربیت malborzi@shirazu.ac.ir

مقدمه

از اوایل دوران کودکی، کودکان روابط معنادار با دیگران را آغاز می‌کنند و همزمان با افزایش سن و تجربه، دوستی و ارتباط با دیگران در رشد و سلامت روان آنان نقش بسزایی ایفا می‌کند. در علوم رفتاری و ارتباطی، گروه وسیعی از پژوهش‌ها به بررسی و فهم فرایندهای ارتباطی کودکان از جمله دلبستگی، صمیمیت، دوستی، مشارکت و وابستگی پرداخته‌اند (لاگاردیا و پاتریک، ۲۰۰۸). لیکن از جمله مسائل مهم و مورد توجه در امر تعلیم و تربیت کودکان روابط اجتماعی و حل مسأله در موقعیت‌های ارتباطی بصورت خلاقانه و بدیع است که نظر متخصصان و پژوهشگران بسیاری را با عناوین مختلفی همچون رشد اجتماعی، روابط نوع دوستانه، حل مسأله اجتماعی، شایستگی اجتماعی و سازگاری اجتماعی بخود جلب نموده است (استیونز، ۲۰۰۹؛ بالدا، ۲۰۰۱؛ رضویه و البرزی، ۱۳۸۳). این مسأله به ویژه در جوامع جمع‌گرا که ارتباط‌های اجتماعی اساس بسیاری از رفتارهای فردی را تشکیل می‌دهد، اهمیت بسزایی دارد (البرزی، ۱۳۸۶). در این راستا در دهه‌های اخیر برخی از روانشناسان با مطرح ساختن مفهوم خلاقیت اجتماعی^۱، حوزه جدیدی از پژوهش‌ها و نظریات را مطرح نمودند. روانشناسان اجتماعی و شناختی در بررسی‌ها و پژوهش‌های خود در حوزه روابط بین فردی و ارتباط فرد با اجتماع دریافتند خلاقیت را می‌توان به شیوه‌های مختلف به اجتماع مرتبط ساخت چنانچه برخی از آنان با توجه به تعاملات بین افراد به بررسی تأثیر اجتماع روی افراد خلاق پرداختند (آمابلی، ۱۹۹۶؛ مادجار، ۲۰۰۵)؛ برخی دیگر دریافتند افراد خلاق می‌توانند در چند حوزه اجتماعی همزمان کار کنند و برجسته باشند (فورد، ۱۹۹۶). برخی دیگر خلاقیت اجتماعی را بعنوان تغییرات بدیعی که در یک اجتماع ایجاد می‌شود و منجر به تحولات جامعه می‌گردد، تعریف کرده‌اند (جان استاینر، ۲۰۰۰؛ دمینگاز، ۲۰۰۰). در کنار این گروه از پژوهشگران که خلاقیت را در یک حوزه اجتماعی مطرح می‌کنند گروهی دیگر نیز بر این باورند که خلاقیت اجتماعی بسط مفهوم خلاقیت به حوزه روابط بین فردی است. در این گروه ماچیراد و لوبارت (۲۰۰۲) معتقدند خلاقیت اجتماعی روش‌های خلاقانه کودکان برای تعامل با دیگران است. به عبارتی در این گروه از تعاریف، خلاقیت اجتماعی مفهومی هم‌تراز با خلاقیت شناختی و خلاقیت هیجانی است و به معنای بروز افکار خلاقانه در روابط اجتماعی است. ماچیراد و لوبارت (۲۰۰۲) اتفاق نظر دارند که خلاقیت اجتماعی روشی خلاقانه در روابط با دیگران به منظور پیدا کردن راه حل‌های بدیع برای حل مسائل

رابطه ادراک از والدین و خلاقیت اجتماعی در کودکان با... ۶۳

اجتماعی‌اشان است که غالباً بدلیل وجود تعارضات در موقعیت‌های مختلف بادیگران ایجاد می‌شود. پژوهشگران مذکور تعریف خود را در حوزه روابط بین فردی کودکان با گروه هم‌تایان، بزرگسالان و والدین مطرح می‌سازند. این تعریف با بسیاری از ادبیات پژوهشی پیرامون مفهوم خلاقیت که معتقدند خلاقیت توانمندی است که می‌تواند در حوزه‌های مختلف رفتار فردی و بین فردی بکار رود همسو می‌باشد. بویژه این تعریف با توانایی حل مسأله اجتماعی در کودکان که توسط پژوهشگران بسیاری بررسی و تعریف شده است، توافق دارد (استیونز، ۲۰۰۹؛ بالدا، ۲۰۰۱). آنچه این دو مفهوم را از هم جدا می‌سازد، بداعتی است که برای حل مسأله در یک موقعیت اجتماعی رخ می‌دهد. مهارت‌های حل مسأله اجتماعی بویژه اگر با ویژگی‌های خلاقانه همچون بداعت و انعطاف‌پذیری همراه باشد موجب خلاقیت اجتماعی می‌گردد. استیونز (۲۰۰۹) معتقد است کودکان در موقعیت‌های بین فردی متعددی بویژه در ارتباط با دوستی‌ها، بازی‌ها و علائق مشترک نیاز به توانمندی حل مسأله دارند. براساس دیدگاه وی انعطاف‌پذیری شناختی عاملی اساسی برای تطابق، تغییر موقعیت و ایجاد راهبردهای بدیع و اصیل در حل مسائل متعددی است که کودکان در برخورد و تعارض با موقعیت‌های مختلف چه در ارتباط با همسالان و چه در ارتباط با بزرگسالان دارند. در تعریف ماچیراد و لوبارت (۲۰۰۲)، خلاقیت اجتماعی شامل دو بعد سیالی و ابتکار است. سیالی به معنای تعداد راه‌حل‌های فرد در تعارضات بین فردی و ابتکار به معنای بداعت راه‌حل‌ها می‌باشد.

با این دیدگاه که خلاقیت اجتماعی یک توانمندی فردی است شناخت عوامل و پیشایندهایی که بر شکل‌گیری این توانمندی موثر هستند، حائز اهمیت است. لیکن در این ارتباط پژوهش‌های اندکی وجود دارد. حسن زاده (۱۳۹۰) در بررسی عوامل شکل‌دهنده خلاقیت اجتماعی در کودکان دریافت جهت‌گیری گفت و شنود خانواده پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار خودکارآمدی و خلاقیت اجتماعی است و جهت‌گیری هم‌نوایی پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار خلاقیت اجتماعی می‌باشد. البرزی (زیرچاپ) در پژوهش خود نشان داد نگرش به خلاقیت هم بطور مستقیم و هم با واسطه‌گری هسته کنترل درونی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار خلاقیت اجتماعی در کودکان است. پژوهش‌هایی نیز به تفاوت‌های فردی در خلاقیت اجتماعی پرداخته‌اند در این ارتباط البرزی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی خلاقیت اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد بعد

سیالی در کودکان بیش از بعد ابتکار در آنان می‌باشد. همچنین در این پژوهش نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد از بین متغیرهای مربوط به والدین تحصیلات پدر و مادر و سن مادر اهمیت بسزایی در پیش‌بینی خلاقیت اجتماعی دارند. چزنوکووا و سابوتسکی (۲۰۱۴) در پژوهشی خلاقیت اجتماعی کودکان ۸ تا ۱۱ سال را در یک موقعیت ناسازگاری آزمایشی مورد بررسی قرارداد و دریافت کودکانی که برای حل مسأله به تجارب گذشته مراجعه می‌کردند و سیالی بیشتری داشتند، خلاقیت اجتماعی بیشتری نشان می‌دادند و بهتر قادر به حل مسأله بودند.

از آنجایی که پژوهش‌ها پیرامون خلاقیت اجتماعی محدود است و همچنین با توجه به دیدگاه آوریل (۱۹۹۹) که معتقد است حوزه‌های متعدد خلاقیت (اجتماعی، هیجانی، اخلاقی) با خلاقیت‌شناختی دارای مفاهیم و ابعاد مشترکی است برای تبیین پژوهش پیرامون خلاقیت اجتماعی و مکانیزم‌های تشکیل دهنده آن می‌توان به نظریه‌ها و مدل‌هایی که در خلاقیت‌شناختی ارائه شده ارجاع نمود. بویژه در این ارتباط دیدگاه نظریه‌پردازان نظام یافته به خلاقیت بویژه آمابلی (۱۹۹۶)، کرافت (۲۰۰۲) و سایکزنت میهالی (۱۹۹۹) قابل توجه است. در دیدگاه نظریه‌پردازان نظام یافته، انگیزش و باورهای انگیزشی که از عوامل اجتماعی بویژه والدین متأثر می‌شوند نقش بسزایی در بروز افکار خلاقانه دارند (کرافت، ۲۰۰۲). در این گروه از نظریات مبنای انگیزشی رفتارهای خلاقانه مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد. آمابلی (۲۰۰۱)، از میان نظریه‌پردازان خلاقیت که به انگیزش اهمیت بسزایی می‌دهد، نظریه خود تعیینی دسی و ریان (۲۰۰۰) را در تبیین فرایندهای خلاقانه توصیه می‌کند. بر اساس نظریه‌ی خود تعیینی دسی و ریان (۲۰۰۰) انگیزه‌ی رفتارهای اجتماعی و روابط دوستانه در کودکان در پیوستاری از خودمحموری تا دیگر محوری قرارداد. در این پیوستار افراد برای دوستی و دوستیابی چهار نوع سبک تنظیمی یا به بیان دیگر باور انگیزشی را نشان می‌دهند. در انگیزش یا سبک تنظیم بیرونی^۲، عاملی خارج از اراده فرد مثل پاداش، تهدید و تنبیه عامل بروز رفتار می‌باشد. در قسمت دیگر پیوستار سبک تنظیم درون فکنی^۳ قرارداد. در این نوع انگیزش گرچه دلایل افراد درونی است، لیکن فشار عوامل بیرونی از طریق تهدید خودپنداره، اضطراب و احساس گناه فرد را وادار به عمل می‌کنند. در مرحله سوم پیوستار سبک تنظیم همانندسازی شده^۴ است که در آن انگیزه‌های بیرونی در سیستم ارزش‌های فرد درونی شده اند. در آخر این پیوستار سبک تنظیم درونی^۵ قرارداد. بر اساس نظریه‌ی خود تعیینی عامل‌های محیطی و افراد موثر با توجه به

رابطه ادراک از والدین و خلاقیت اجتماعی در کودکان با... ۶۵

جو کنترلی یا حمایتی که ایجاد می‌کنند می‌توانند بر درونی‌سازی انگیزه‌ها که باعث افزایش خلاقیت می‌شود نقش داشته باشند. در این راستا آمابلی (۲۰۰۱) معتقد است حمایت از خود استقلالی در فرزندان توسط والدین، انگیزش درونی برای فعالیت‌های خلاقانه را بالا می‌برد و خود تعیینی بیشتری را در آنان موجب می‌شود. سوانز و واستینکنز (۲۰۰۵) معتقدند والدینی که خود استقلالی را در فرزندان تأیید می‌کنند موجب سطوح بالای خود تعیینی در آنان و در نهایت شایستگی اجتماعی در ارتباط با همتایان می‌گردند. هیلاری و مارن (۲۰۱۲) دریافتند عامل‌های اجتماعی تأثیر گذار از جمله والدین نقش مهمی در ایجاد دنیای اجتماعی و روابط معنادار با همتایان و دوست‌یابی‌های موثر در آنان دارند. میکامی، لرنر، گریگز، مک‌گرا و کالهان (۲۰۱۰) در پژوهشی آزمایشی دریافتند والدین در فرایندهای دوست‌یابی نقش واسطه‌ای مهمی ایفا می‌کنند و والدین حمایتگر موجب افزایش مهارت‌های اجتماعی و کیفیت بالای روابط دوستانه کودکان می‌گردند. اسکوارز، استاتزو و لدرمن (۲۰۱۲) در پژوهش خود به نقش تعارضات والدین و امنیت عاطفی در ایجاد روابط دوستانه بین کودکان تأکید کردند. ورسیمو، سانتوس، وان، تورس، مانتریو و سانتوز (۲۰۱۱) نیز به نقش دلبستگی ایمن در ایجاد روابط معنادار با همتایان در کودکان اشاره دارند و بویژه در این پژوهش نقش پدر بیش از مادر تأکید گردید.

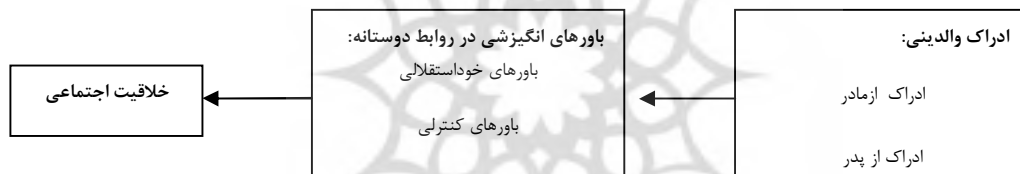
چنانچه پژوهش‌های فوق ذکر شد، والدین متناسب با محیطی که می‌توانند برای فرزندان ایجاد کنند در شکل‌گیری باورهای انگیزشی آنان نقش بسزایی دارند. از سوی دیگر بر اساس نظریات نظام یافته برای بروز افکارخلاقانه در افراد و ارتباطاتشان باورهای انگیزشی درونی اهمیت بسزایی دارد و در این ارتباط پژوهش‌های متعددی نقش انگیزش در خلاقیت را مورد تأیید قرار داده‌اند (البرزی، ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۲).

علاوه بر این پژوهش‌هایی نیز به صورت مدل به بررسی نقش ادراک از والدین در حوزه‌های مختلف رفتاری از جمله خلاقیت با واسطه‌گری باورهای انگیزشی پرداخته‌اند. البرزی (۱۳۸۶) نشان داد ادراک کودک از والدین بویژه پدر در حمایت از خود استقلالی هم بصورت مستقیم و هم با واسطه‌گری باور انگیزشی درونی نقش مثبت و معناداری در خلاقیت کودکان دارد. البرزی، جوکار و خیر (۱۳۸۹) نیز نتیجه‌ی مشابهی کسب نمودند.

بطور کلی نتایج پژوهش‌های فوق حاکی از اهمیت ادراک از والدین و باورهای انگیزشی درونی در رفتارهای متعدد بویژه خلاقیت در کودکان می‌باشد. با رویداشت به

مجله‌ی مطالعات آموزش و یادگیری، دوره ششم، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

آنچه گفته شد و با توجه به نقش خلاقیت اجتماعی در زندگی کودکان شناخت و تبیین فرایندهای موثر در شکل‌گیری آن اهمیت بسزایی دارد بویژه آن که مبنای انگیزشی تعاملات اجتماعی کودکان کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (لاگاردیا و پاتریک، ۲۰۰۸). بر این اساس در پژوهش حاضر بر مبنای رویکردهای نظام یافته به خلاقیت که معتقد به نقش عوامل محیطی در تعامل با عوامل فردی (انگیزش) برای شکل‌گیری و بروز تفکر خلاق می‌باشند (کرافت، ۲۰۰۲؛ البرزی، ۱۳۸۶) و بر اساس نظر آمابلی که نظریه‌ی خود تعیینی دسی و ریان را برای تبیین انگیزش در خلاقیت پیشنهاد می‌کند، مدلی علی از ادراک از والدین، باورهای انگیزشی در روابط دوستانه و خلاقیت اجتماعی ارائه گردید. در این مدل ادراک از والدین (ادراک فرزندان از جوحمایتی یا کنترلی پدر و مادر) متغیر برون زاد، باورهای انگیزشی در روابط دوستانه بعنوان متغیر واسطه و در نهایت خلاقیت اجتماعی بعنوان متغیر درون زاد می‌باشند (نمودار شماره ۱).



نمودار ۱: مدل علی از رابطه ادراک والدینی، باورهای انگیزشی در روابط دوستانه و خلاقیت اجتماعی

فرضیه‌های اساسی پژوهش حاضر عبارتند از:

- ۱- ادراک کودک از والدین (پدر و مادر) پیش‌بینی‌کننده معنادار خلاقیت اجتماعی است
- ۲- ادراک کودک از والدین (پدر و مادر) پیش‌بینی‌کننده معنادار باورهای انگیزشی (خوداستقلالی و کنترل) است.
- ۳- ادراک کودک از والدین (پدر و مادر) با واسطه‌گری باورهای انگیزشی پیش‌بینی‌کننده معنادار خلاقیت اجتماعی است.

روش

شرکت‌کنندگان پژوهش

جامعه این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر و دختر کلاس‌های پنجم مقطع ابتدایی در چهار ناحیه آموزش و پرورش شهرستان شیراز بودند که در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲

رابطه ادراک از والدین و خلاقیت اجتماعی در کودکان با... ۶۷

مشغول به تحصیل بودند. شرکت کنندگان پژوهش ۲۹۵ نفر (۱۴۵ نفر پسر و ۱۵۰ نفر دختر) از دانش آموزان مقطع ابتدایی نواحی چهارگانه شهرستان شیراز بودند که به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. بدین منظور ابتدا تمامی مدارس چهار ناحیه آموزش و پرورش در نظر گرفته شدند. آن گاه از هر ناحیه یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه و از هر مدرسه یک کلاس پنجم به صورت تصادفی انتخاب و تمامی دانش آموزان در کلاس‌های مورد نظر مورد ارزیابی قرار گرفتند. قابل ذکر است علت انتخاب دانش آموزان کلاس پنجم میزان رشد شناختی و اجتماعی آنان در سال‌های آخر ابتدایی و قدرت پاسخگویی آنان به سوالات پرسشنامه‌ها بود.

ابزار سنجش

در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری متغیرها از سه ابزار استفاده شد:

۱- **مقیاس ادراک کودک از والدین (POPS)**^۸: به منظور سنجش شیوه‌ی تعامل والدین با کودکان از مقیاس گرالنیک، ریان و دسی (۱۹۹۱؛ نقل از البرزی، ۱۳۸۶) استفاده گردید. این مقیاس دارای دو بعد رفتارهای مراقبه‌ی^۹ والدین و بعد تأیید خود استقلالی توسط والدین است. رفتارهای مراقبه‌ای به معنای میزان و حدی است که والدین به پیشرفت کودکان خود علاقه‌مند هستند، برای تربیت فرزندان تلاش می‌کنند، زمان بیشتری به آنان اختصاص می‌دهند، از دلبستگی‌ها و گرایش‌های فرزندان خود آگاهی دارند و روی هم رفته به فرزند خود توجه روانی و رفتاری دارند. بعد دوم، تأیید خود استقلالی توسط والدین^{۱۰} (پدر و مادر) است. بدین معنا که والدین به کودکان اجازه می‌دهند محیطشان را کشف کنند، در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود مشارکت داشته باشند و قدرت انتخاب داشته باشند. این مقیاس که توسط دانش آموزان تکمیل می‌گردد دارای ۲۲ گویه (۱۱ گویه مربوط به مادر و ۱۱ گویه مربوط به پدر) و ۴ خرده مقیاس شامل رفتارهای مراقبه‌ای مادر، رفتارهای مراقبه‌ای پدر، تأیید خود استقلالی توسط مادر و تأیید خود استقلالی توسط پدر می‌باشد. گرالنیک و همکاران (۱۹۹۱) به منظور تعیین روایی و پایایی این مقیاس از روش‌های تحلیل عاملی و همسانی درونی استفاده نمودند. افزون بر این در مطالعات متعدد نیز، پایایی و روایی مطلوبی برای این ابزار گزارش شده است (گرالنیک و اسلواکزک، ۱۹۹۴؛ گرالنیک، دسی و ریان^{۱۱}، ۱۹۹۷؛ لطیفیان و خوشبخت، ۱۳۸۴؛ نقل از

البرزی، ۱۳۸۶). در پژوهش البرزی (۱۳۸۶) روایی به شیوه‌ی تحلیل عامل و پایایی مقیاس با روش آلفای کرونباخ بررسی گردید. در تحلیل عاملی انجام شده توسط البرزی چهار بعد به دو بعد ادراک کودک از پدر و ادراک کودک از مادر تغییر یافت. در این تحلیل، ابعاد ۳۹ درصد از کل واریانس را پیش‌بینی کردند و همچنین ۴ گویه نیز بعلت بارعاملی ضعیف حذف گردید. علاوه بر تحلیل عامل، همبستگی هر گویه با نمره کل در هر بعد محاسبه گردید که نتایج همبستگی گویه‌ها با نمره کل در بعد ادراک کودک از مادر بین ۰/۵۳ تا ۰/۶۳ و در بعد ادراک کودک از پدر بین ۰/۴۱ تا ۰/۷۶ بود. پایایی به شیوه‌ی آلفای کرونباخ نیز برای بعد ادراک کودک از مادر ۰/۶۴ و برای بعد ادراک کودک از پدر ۰/۸۲ بود. در پژوهش حاضر نیز روایی به شیوه‌ی همبستگی گویه‌ها بانمره کل در ادراک کودک از مادر بین ۰/۶۵ تا ۰/۷۹ و در بعد ادراک کودک از پدر بین ۰/۵۹ تا ۰/۷۲ بدست آمد. در بررسی پایایی نیز آلفای کرونباخ در بعد ادراک کودک از مادر ۰/۸۶ و در بعد ادراک از پدر ۰/۸۲ بدست آمد.

۲- **خلاقیت اجتماعی:** ابزارمورد استفاده برای سنجش خلاقیت اجتماعی تکلیف حل مسأله خلاقیت اجتماعی ماچیرادو لوبارت (۲۰۰۲) بود. پژوهشگران مذکور برای سنجش خلاقیت اجتماعی کودکان سه موقعیت اجتماعی فرضی را مطرح می‌کنند که کودکان باید حداکثر پاسخ‌ها را برای حل مسأله در هر سه موقعیت ارائه نمایند: در اولین موقعیت کودک در گروه همسالان خود به یافتن راه‌حلی می‌پردازد که بتواند با آنها بر خلاف میلشان همبازی گردد. در موقعیت دوم، کودک باید راه‌حلی برای حل تعارض بین خواسته خود و والدینش برای کسب بهترین نتیجه ارائه نماید و در موقعیت سوم کودک باید راه‌حلی برای جلب نظر یک همبازی زمانی که عقاید متفاوت برای بازی دارند ارائه کند. نمره‌گذاری پاسخ‌های کودکان بر اساس روش پیشنهادی ماچیراد و لوبارت (۲۰۰۲) و آزمون خلاقیت تورنس بود. در این راستا سه بعد سیالی، انعطاف‌پذیری و ابتکار در پاسخ‌ها نمره‌گذاری گردید. قابل ذکر است که آنها برای نمره‌گذاری خلاقیت اجتماعی یک نمره کل و دو بعد سیالی و ابتکار را پیشنهاد می‌کنند. در بعد سیالی تعداد پاسخ‌های فرد در نظر گرفته شد که نمره بالاتر بیانگر تعداد پاسخ‌های بیشتر می‌باشد. در بعد ابتکار نیز ابتدا طبقات پاسخ‌های مشابه در کل پرسشنامه‌ها مشخص گردید و فراوانی آنها بدست آمد. سپس برای هر طبقه میانگین محاسبه و نمره میانگین از عدد یک کسر می‌گردد. برای محاسبه‌ی انعطاف‌پذیری از روش پیشنهادی تورنس استفاده گردید بدین

رابطه ادراک از والدین و خلاقیت اجتماعی در کودکان با... ۶۹

صورت که مجموع پاسخ های هر آزمودنی تعداد طبقات و نوع آزمودنی ها مشخص گردید. البته گفتنی است که در روش ماچیراد و لوبارت انعطاف پذیری اندازه گیری نشده است، اما طبق نظر بسیاری از روانشناسان و متخصصان خلاقیت ابعاد سیالی، ابتکار و انعطاف پذیری از اجزای اساسی در سنجش خلاقیت محسوب می شوند که ارتباط درونی باهم دارند و هر بعد در بر گیرنده دو بعد دیگر است (تورنس^{۱۲}، ۱۹۶۲، گیلفورد^{۱۳}، ۱۹۵۰؛ نقل از البرزی، ۱۳۸۶). نمره کل خلاقیت اجتماعی از مجموع نمرات مولفه های سیالی، انعطاف پذیری و ابتکار بدست آمد. مدت زمان مصاحبه برای هر کودک بین ۱۵ تا ۳۰ دقیقه بود. ماچیراد و لوبارت (۲۰۰۲) روایی آزمونی را از طریق روایی همگرایی و همبستگی با آزمون های هوشی جعبه تورنس (۱۹۷۴)، به میزان ۰/۸۷، آزمون سیالی کلمه ها (ترستون و ترستون، ۱۹۵۳) به میزان ۰/۵۲ و تکالیف قصه گوئی به میزان ۰/۵۵ بدست آوردند که همگی در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند. علاوه بر این پایایی نیز به شیوه ی آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۷ گزارش گردید. در ایران حسن زاده (۱۳۹۰)، جهت تعیین روایی از روایی همگرا (با مقیاس عزت نفس) و واگرا (با سن و پرخاشگری) استفاده نمود. حسن زاده پایایی به شیوه ی آلفای کرونباخ را برای ابتکار (۰/۶۴)، سیالی (۰/۷۵) و کل پرسشنامه (۰/۹۰) بدست آورد. در پژوهش حاضر، روایی به روش محتوایی بر اساس نظر پنج نفر از معلمان باتجربه و چهار متخصص تعلیم و تربیت بررسی گردید. بدین منظور تعریفی از مولفه ها همراه با محتوای پاسخ ها و سوالات مرتبط به صاحب نظران داده شد و میزان موافقت آنان بررسی گردید که در مجموع نظرات حاکی از روایی محتوایی آزمون بود. پایایی نیز به شیوه ی روش آلفای کرونباخ برای ابعاد سیالی ۰/۸۸، ابتکار ۰/۷۴، انعطاف پذیری ۰/۸۳ و کل ۰/۸۶ محاسبه گردید.

۳- پرسشنامه خود گردانی روابط دوستانه^{۱۴} (SRQ_F): ریان و کانل (۱۹۸۹) در

حوزه های مربوط به رفتارهای خود نظم یافته، مفهومی مشابه با خودگردانی تحصیلی با عنوان خودگردانی در روابط دوستانه را مطرح ساختند. در پرسشنامه ای که این پژوهشگران در سنجش میزان خودگردانی در روابط با دوستان تهیه کردند بر این باور بودند که افراد از نظر باورهای انگیزشی در دوستی با دیگران یا انگیزش درونی و یا انگیزش بیرونی دارند. بر این اساس پژوهشگران مذکور در پرسشنامه خود با ۲۰ سؤال چهار درجه ای (همیشه درست است تا همیشه درست نیست) در دو سبک تنظیمی خود استقلالی و کنترلی

مجله‌ی مطالعات آموزش و یادگیری، دوره ششم، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

باورهای انگیزشی افراد را ارزیابی می‌کنند (سبک تنظیم کنترلی ترکیبی از سبک تنظیم بیرونی با درون فکنی و سبک تنظیم خوداستقلالی ترکیبی از تنظیم همانندسازی و درونی بود). روایی و پایایی این پرسشنامه توسط رضویه و البرزی (۱۳۸۳) و صابری و البرزی (۱۳۸۴) احراز گردید. در پژوهش‌های ذکر شده برای محاسبه روایی از همبستگی با آزمون‌های مشابه (خودگردانی تحصیلی) و برای محاسبه پایایی از روش‌های باز آزمایی و آلفای کرونباخ استفاده گردید. در پژوهش حاضر نیز از همبستگی گویه‌ها با نمره کل در هر بعد استفاده گردید که در بعد خود استقلالی ضرایب در دامنه‌ی ۰/۶۴ تا ۰/۸۹ بدست آمد که همگی در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند و در بعد کنترلی نیز ضرایب در دامنه‌ی ۰/۵۳ تا ۰/۷۷ قرار داشتند که همگی در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند. همچنین ضرایب آلفای کرونباخ در بعد خوداستقلالی ۰/۸۸ و در بعد کنترلی ۰/۷۹ بود.

یافته‌ها

به منظور ارائه تصویری از وضعیت متغیرهای پژوهش شاخصه‌های آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
ادراک از مادر	۲/۲۰	۰/۶۰
ادراک از پدر	۳/۵۶	۰/۵۵
تنظیم کنترلی	۴/۰۴	۰/۸۰
تنظیم خوداستقلالی	۲/۵۲	۰/۶۳
خلاقیت اجتماعی	۳۳/۱۸	۴/۲۰

به منظور بررسی روابط میان متغیرهای پژوهش، همبستگی صفر مرتبه میان متغیرهای پژوهش محاسبه شد. نتایج در جدول شماره ۲ آورده شده است. همان گونه که نتایج جدول نشان می‌دهد بین متغیرهای پژوهش همبستگی‌های معناداری وجود دارد.

رابطه ادراک از والدین و خلاقیت اجتماعی در کودکان با... ۷۱

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	ادراک از مادر	ادراک از پدر	تنظیم کنترلی	تنظیم خوداستقلالی	خلاقیت اجتماعی
ادراک از مادر	۱				
ادراک از پدر	۰/۲۹**	۱			
تنظیم کنترلی	۰/۱۴**	۰/۰۳	۱		
تنظیم خوداستقلالی	۰/۰۶	۰/۳۱**	-۰/۰۵	۱	
خلاقیت اجتماعی	-۰/۰۷	۰/۳۰**	-۰/۲۹**	۰/۶۷**	۱

$p < * * ۰/۰۱$

به منظور آزمون فرضیات پژوهش بر اساس مراحل پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶)، معادلات رگرسیون به ترتیب ذیل بررسی گردید:

۱- ادراک کودک از والدین پیش‌بینی کننده معنادار خلاقیت اجتماعی است (بررسی رگرسیون خلاقیت اجتماعی روی ادراک کودک از والدین، برای بررسی تأثیر متغیر برون زاد بر درون زاد) (جدول ۳):

جدول ۳: نتایج رگرسیون چندگانه خلاقیت اجتماعی روی ادراک کودک از والدین

متغیر مستقل	ضریب بتا	سطح معناداری	R	R ²
ادراک کودک از مادر	-۰/۱۰	Ns		
ادراک کودک از پدر	۰/۲۹	۰/۰۱	۰/۲۸	۰/۰۷

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در جدول ۳ حاکی از آن است که ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R=۰/۲۸$ و ضریب تعیین برابر با $R^2=۰/۰۷$ می‌باشد. یعنی هفت درصد از واریانس خلاقیت اجتماعی از طریق متغیر ادراک کودک از والدین قابل تبیین است. ضرایب رگرسیون حاصل بیانگر آن است که تنها ادراک کودک از پدر ($\beta=۰/۲۹$) به صورت مثبت و معنادار پیش‌بینی کننده‌های معنی‌دار خلاقیت اجتماعی کودکان است.

۲- ادراک کودک از والدین پیش‌بینی کننده معنادار باورهای انگیزشی (خوداستقلالی و

کنترلی) در روابط دوستانه است(رگرسیون باورهای انگیزشی روابط دوستانه روی ادراک کودک از والدین، برای بررسی تأثیر متغیر برون زاد بر متغیر واسطه‌ای)(جدول ۴):

جدول ۴: نتایج رگرسیون چند گانه باورهای انگیزشی در روابط دوستانه روی ادراک کودک از والدین

متغیرهای پژوهش	سبک تنظیم کنترلی(باور بیرونی)			سبک تنظیم خود استقلالی(باوردرونی)		
	R ²	R	ضریب بتا	R ²	R	ضریب بتا
ادراک از مادر	۰/۲۵	۰/۰۱	۰/۲۵	۰/۰۶	۰/۳۱	۰/۰۴
ادراک از پدر	-۰/۰۸	NS	-۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۳۱	۰/۰۱

نتایج تحلیل رگرسیون در جدول ۴ حاکی از آن است که در سبک تنظیم کنترلی، ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R=0/25$ و ضریب تعیین برابر با $R^2=0/06$ می‌باشد. مقایسه‌ی ضرایب بتا نیز نشان داد که ادراک کودک از مادر ($\beta=0/25$) پیش بینی‌کنندگی مثبت و معناداری در سبک تنظیم کنترلی است. در در سبک تنظیمی خود استقلالی، ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R=0/31$ و ضریب تعیین برابر با $R^2=0/10$ بدست آمد. مقایسه‌ی ضرایب بتا نشان گر آن بود که ادراک کودک از پدر ($\beta=0/31$) دارای قدرت پیش بینی‌کنندگی مثبت و معنادار در سبک تنظیم خود استقلالی بود.

۳- ادراک کودک از والدین با واسطه‌گری باورهای انگیزشی در روابط دوستانه پیش‌بینی‌کننده معنادار خلاقیت اجتماعی است(رگرسیون خلاقیت اجتماعی روی باورهای انگیزشی روابط دوستانه و ادراک کودک از والدین، برای بررسی تأثیر متغیر واسطه‌ای بر متغیر درون‌زاد با کنترل متغیر برون زاد)(جدول ۵):

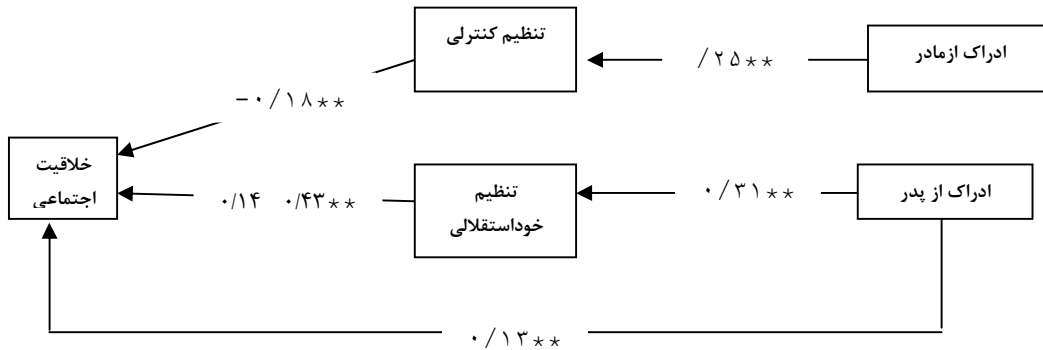
رابطه ادراک از والدین و خلاقیت اجتماعی در کودکان با... ۷۳

جدول ۵: نتایج رگرسیون چند گانه خلاقیت اجتماعی روی سبک های تنظیمی انگیزش همراه با ادراک کودک از والدین

متغیر مستقل	ضریب بتا	سطح معناداری	R	R ²
ادراک از مادر	-۰/۰۸	NS		
ادراک از پدر	۰/۱۳	۰/۰۱		
تنظیم کنترلی	-۰/۱۸	۰/۰۱	۰/۵۴	۰/۲۹
تنظیم خود استقلالی	۰/۴۳	۰/۰۱		

نتایج آورده شده در جدول ۵ نشان می‌دهد که با ورود همزمان سبک‌های تنظیمی کنترلی و خود استقلالی و کنترل ادراک کودک از والدین در معادله رگرسیون از بین سبک‌های تنظیمی انگیزش، تنظیم کنترلی ($\beta = -0.18$) به صورت منفی و سبک تنظیم خود استقلالی ($\beta = 0.43$) پیش بینی کننده‌ی مثبت و معنادار خلاقیت اجتماعی بودند و ادراک کودک از پدر ($\beta = 0.13$) به صورت مثبت و معنادار خلاقیت اجتماعی را پیش‌بینی نمود. علاوه بر این بمنظور بررسی سهم واسطه‌گری متغیر باورهای انگیزشی، مقایسه ضرایب استاندارد حاصل از ادراکات کودک از پدر و مادر از جدول شماره ۲ به جدول شماره ۴ نشان از کاهش معنادار ضرایب دارد. این کاهش موید نقش واسطه‌گری متغیرهای انگیزشی به عنوان واسطه می‌باشد. علاوه بر این با استفاده از دستور Bootstrap در نرم افزار AMOS، معناداری اثرات غیرمستقیم استاندارد متغیرها نشان داد که خود استقلالی و کنترل در ارتباط بین ادراک از پدر و خلاقیت اجتماعی ($\text{Indirect} = 0.20, p < 0.01$)، و ادراک از مادر و خلاقیت اجتماعی ($\text{Indirect} = 0.06, p < 0.05$) بطور معنادار نقش واسطه‌ای داشته‌اند. در آخر بمنظور بررسی بررسی برازش مدل، مهم‌ترین شاخص‌های برازش مدل، شامل GFI، AGFA، IFI، CFI و RMSEA، در نرم افزار AMOS محاسبه شد که ضرایب به ترتیب برابر با ۰/۹۹، ۰/۹۷، ۰/۹۹، ۰/۹۹ و ۰/۰۳ به دست آمد که تمامی ضرایب نشان از برازش مدل پژوهش داشتند.

در ادامه نتایج بدست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیون‌ها در نمودار شماره ۲ آمده است. لازم به توضیح است که در نمودار، ضرایب استاندارد رگرسیون (بتا) شاخص ضریب مسیر است.



نمودار ۲: تأثیر باورهای انگیزشی در روابط خودگردان دوستانه بر اخلاقیت اجتماعی با

کنترل ادراک کودک از والدین

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌گری باورهای انگیزشی در روابط دوستانه در متغیرهای ادراک از والدین و اخلاقیت اجتماعی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد ادراک از والدین هم بصورت مستقیم و هم بصورت غیرمستقیم بر اخلاقیت اجتماعی کودکان تأثیر دارد. همچنین از دیگر یافته‌های پژوهش آن بود که باورهای انگیزشی درونی نقش پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار و مثبتی در اخلاقیت اجتماعی دارند. در ادامه بر اساس نتایج کسب شده از نقش ادراک از والدین بر باورهای انگیزشی، نقش ادراک از والدین بر اخلاقیت اجتماعی و نقش باورهای انگیزشی بر اخلاقیت اجتماعی تبیین می‌گردد.

در ارتباط با نقش والدین بر باورهای انگیزشی یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن بود که ادراک از مادر نقش معناداری در شکل‌گیری باورهای انگیزشی کنترلی دارد و ادراک از پدر نقش معناداری در شکل‌گیری باورهای انگیزشی خود استقلالی در فرزندان دارد. یافته‌ی بدست آمده با پژوهش‌های آمابلی (۲۰۰۱)، سوانز و واستینکنز (۲۰۰۵)، البرزی (۱۳۸۶) و البرزی و همکاران (۱۳۸۹) همسو است. در پژوهش حاضر نقش تقابلی پدر و مادر قابل توجه است که این یافته با پژوهش البرزی (۱۳۸۶) همسو است. در تبیین یافته‌ی بدست آمده نگاهی به نظریه خود تعیینی دسی و ریان (۲۰۰۰)، می‌تواند روشنگر باشد. پژوهشگران مذکور بر این باورند که همه‌ی افراد دارای سه نیاز اساسی شایستگی، تعلق و خوداستقلالی هستند که عوامل محیطی تأثیرگذار بویژه والدین با شیوه‌های برخورد و ارتباط با فرزندان به ارضای این نیازها کمک می‌کنند یا آنکه مانع آنها می‌شوند. دسی و

رابطه ادراک از والدین و خلاقیت اجتماعی در کودکان با... ۷۵

ریان (۲۰۰۰)، معتقدند ارضای متعادل این سه نیاز در فرزندان منجر به شکل‌گیری باورهای انگیزشی درونی در اعمال مختلف آنان می‌گردد. از آنجایی که در پژوهش حاضر ادراک فرزندان از رفتارهای مادران منجر به شکل‌گیری باورهای انگیزشی بیرونی گردیده است می‌توان گفت مادران بیش از نیاز خود استقلالی با شیوه‌های رفتاری که دارند منجر به ارضای نیازهای وابستگی در فرزندان می‌شوند درحالی که پدران بیشتر نیازهای شایستگی و خود استقلالی را ارضا می‌کنند (البرزی، ۱۳۸۶). تقابل نقش پدر و مادر نیز با استناد به مسئولیت‌های متفاوتی که در قبال تعلیم و تربیت فرزندان برعهده دارند قابل توجیه است. بر این اساس بنظر می‌رسد مادران بیشتر نگران وضعیت تحصیلی و تربیتی فرزندان هستند و بیشتر رفتارهای حاکی از کنترل بر فرزندان اعمال می‌کنند درحالی که پدران فضای بازتری برای بروز رفتارهای مختلف برای فرزندان ایجاد می‌نمایند.

در ارتباط با نقش والدین بر خلاقیت اجتماعی نیز تحلیل یافته‌های آماری پژوهش حاضر حاکی از آن بود که ادراک از پدر هم بطور مستقیم و هم از طریق تنظیم خوداستقلالی بر خلاقیت اجتماعی فرزندان نقش مثبت و معناداری دارد. لیکن ادراک از مادر صرفاً از طریق باورهای انگیزشی بر خلاقیت اجتماعی تأثیر دارد. یافته‌ی بدست آمده با پژوهش‌هایی که در حیطه‌های دوست‌یابی و روابط با هم‌تایان انجام شده از جمله میکامی و همکاران (۲۰۱۰)، اسکواز و همکاران (۲۰۱۲)، ورسیمو و همکاران (۲۰۱۱) و هیلاری و مارن (۲۰۱۲) همسو است. هیلاری و مارن (۲۰۱۲)، معتقدند والدین با نوع و کیفیت تعاملات اجتماعی خود با فرزندان فرصت‌های متعددی برای مسأله، ایجاد روابط موفق و معنادار و رشد اجتماعی مطلوب برای کودکان ایجاد می‌کنند. والدینی که به فرزندان خود فرصت ابراز عقاید و تصمیم‌گیری را نمی‌دهند منجر به اجتناب از تعارض در روابط با دیگران و وابستگی شدید فرزندان به خود می‌گردند و این امر فرصت هرگونه خلاقیت و بداعت در روابط بین فردی را از آنان می‌گیرد. بنظر می‌رسد در چنین مواردی دوست‌یابی و حل مسائل بین فردی در گروه هم‌تایان مسئولیتی است که برعهده‌ی والدین گذاشته می‌شود و کودکان فارغ از هرگونه تعهد و تصمیم‌گیری در این ارتباط می‌باشند. بر این اساس می‌توان گفت در خانواده‌هایی که از خود استقلالی فرزندان حمایت می‌کنند، سعی بر آن است که هر فردی در خانواده یک حل‌کننده‌ی مسأله و یک عضو موثر تصمیم‌گیری به حساب آید و در چنین مواردی ارتباطات بین فردی تسهیل می‌گردد. هرمانسن (۲۰۱۲)،

معتقد است ایجاد فرصت جدید برای حل مسائل به شیوه‌ای بدیع، بویژه در حیطه روابط بین فردی عامل اساسی در بروز خلاقیت اجتماعی افراد می‌باشد، بویژه پدر در تعاملات اجتماعی فرزندان با توجه به جایگاه مدیریتی وی در خارج از خانواده، نقش بسزایی دارد. تعاملات باز و مثبت پدر و ارتباطات مبنی بر تفکر و تعقل آنان نقش بسزایی در همانندسازی فرزندان و ایجاد خود استقلالی در آنان بویژه در روابط با همتایان دارد (البرزی، ۱۳۸۶). در ارتباط با نقش مادر که صرفاً از طریق انگیزش بر خلاقیت تأثیر دارد می‌توان گفت که مادران شرط اساسی بروز افکار خلاقانه که آزادی و تصمیم‌گیری در فضای امن روانی است را کمتر اعمال می‌نمایند چرا که بیشتر نگران عدم انطباق رفتار و افکار فرزندان خود نسبت به سایرین در اجتماع می‌باشد و از این لحاظ با پدران تفاوت عمده‌ای را نشان می‌دهند (البرزی، ۱۳۸۶). پوتالاز و شپارد (۱۹۹۰) نشان دادند که اگر پدر یا مادر رفتاری مستبدانه با قوانین و قواعد بسیار برای فرزندان خود اعمال کنند فرزندانشان برای ایجاد ارتباط‌های بین فردی شایستگی اجتماعی کمی دارند در این ارتباط به ویژه نقش مادر حائز اهمیت می‌باشد چرا که مادران به ایجاد قوانین بیشتر از پدران تأکید دارند. رابین و روزکراسنور (۱۹۹۵) بر این باورند که افرادی که قادرند بطور همزمان هم به اهداف فردی خود برسند و هم ارتباط‌های مثبت خود را با دیگران در موقعیت‌های مختلف حفظ نمایند، افرادی موفق و خلاق محسوب می‌شوند.

پیرامون رابطه باورهای انگیزشی و خلاقیت اجتماعی نتایج پژوهش حاکی از آن بود که سبک تنظیم کنترلی پیش‌بینی‌کننده‌ی منفی و معنادار خلاقیت اجتماعی و سبک تنظیم خود استقلالی پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنادار خلاقیت اجتماعی بود. با توجه به بدیع بودن پژوهش در زمینه‌ی خلاقیت اجتماعی پژوهشی در این زمینه یافت نشد اما در حیطه‌ی مشابه با خلاقیت اجتماعی، با عنوان خلاقیت شناختی، نتیجه‌ی پژوهش با پژوهش‌های البرزی (۱۳۸۶؛ ۱۳۸۹)، البرزی و همکاران (۱۳۸۹)، رضویه و البرزی (۱۳۸۳) و صابری و البرزی (۱۳۸۴)، همسو بود. آمابلی (۲۰۰۱) معتقد است افرادی که دارای باورهای انگیزشی بیرونی هستند فاقد علاقه و تمایل لازم برای انجام فعالیت‌ها چه بصورت عادی و چه بصورت خلاقانه هستند. بر اساس دیدگاه وی افرادی زمانی به انجام کارهای بدیع می‌پردازند که برای انجام آن عمل انگیزش درونی داشته باشند و میل و تمایل انجام رفتار برای آنان درونی شده باشد. درچنین حالتی افراد دارای ویژگی‌های شخصیتی لازم برای تسلط و غلبه بر ترس‌ها و فشارهای بیرونی هستند و می‌توانند با خودانگیزگی، انرژی

رابطه ادراک از والدین و خلاقیت اجتماعی در کودکان با... ۷۷

لازم برای پرداختن به فعالیت‌های مختلف آن هم بصورت بدیع و منعطف را داشته باشند. در پژوهش حاضر نیز کودکانی که خودانگیزگی درونی برای رفتارهای نوع دوستانه دارند، بدنبال موقعیت‌های جدید برای دوستی هستند و همچنین بنظر می‌رسد این کودکان برای حل مشکلات خود در روابط اجتماعی به راه‌های مختلف بیشتری می‌اندیشند و شاید به تعبیر آمابلی (۲۰۰۱)، بتوان گفت این گونه افراد در ماز شناختی روابط اجتماعی به موقعیت‌های مختلف و پیامدها و نتایج آن بهتر از کودکانی که برانگیزگی بیرونی دارند عمل می‌کنند. این افراد از عزت نفس و خودکارآمدی اجتماعی بالاتری نیز برخوردارند (حسن زاده، ۱۳۹۰). استیونز (۲۰۰۹) معتقد است توانایی حل مسأله کودکان در موقعیت‌های اجتماعی منوط به میزان انعطاف‌پذیری شناختی آنان می‌باشد و انعطاف‌پذیری شناختی متأثر از برانگیزگی افراد برای انجام کار است. از دیدگاه وی کودکانی که انعطاف‌پذیری شناختی بیشتری دارند راهبردهای حل مسأله اجتماعی بهتر و بدیع‌تری را نشان می‌دهند و احتمال کمتری برای تبعیت از منابع انگیزشی بیرونی برای رفتارهای اجتماعی خود دارند. همان‌گونه که گفته شده، از مهم‌ترین هدف‌های این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای باورهای انگیزشی در روابط دوستانه بین متغیرهای ادراک کودک از والدین و خلاقیت اجتماعی بود. تحلیل یافته‌های آماری و کاهش ضرایب حاصل از تأثیرات مستقیم متغیرهای برون زاد بر درون زاد و تأثیرات غیرمستقیم متغیرهای برون زاد بر درون زاد با واسطه‌گری باورهای انگیزشی تأییدی بر میزان و نقش واسطه‌گری باورهای انگیزشی بود. بر اساس نقش واسطه‌گری باورهای انگیزشی در رابطه ادراک کودک از والدین با خلاقیت اجتماعی نتایج نشان داد، سبک‌های تنظیمی انگیزشی نقش واسطه‌ای مطلوبی در رابطه ادراک کودک از والدین و خلاقیت اجتماعی دارند. به بیان دیگر، نتایج نشان داد که ادراک کودک از مادر و پدر پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار سبک تنظیمی‌های انگیزشی بودند که در این ارتباط نقش ادراک از پدر و سبک تنظیمی خوداستقلالی قابل توجه بود. از سوی دیگر بررسی همزمان متغیرهای ادراک کودک از والدین و سبک‌های تنظیمی انگیزش بر خلاقیت اجتماعی نیز نشان داد که سبک تنظیمی کنترلی پیش‌بینی‌کننده‌ی منفی و معنادار و سبک تنظیمی خود استقلالی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار خلاقیت اجتماعی است. یافته‌های بدست آمده در این بخش از پژوهش با برخی از مطالعه‌های پیشین البته در حوزه خلاقیت شناختی هماهنگ بود (البرزی، ۱۳۹۲؛ البرزی، ۱۳۸۶؛ البرزی، جوکار، خیر،

۱۳۸۹). ایجاد روابط دوستانه با دیگران از جمله رفتاری‌هایی است که به چگونگی تفکر و نگرش والدین ارتباط نزدیکی دارد. زمانی که والدین راهنما و مشوق خود استقلالی و تصمیم‌گیری‌های مستقل در فرزندان باشند، آنها قادرند پیامدها و مسئولیت‌های رفتارهای خود را به ویژه در بروز رفتارهای دوستانه با دیگران بپذیرند و به نوعی هدایت‌کننده‌ی آن باشند (رضویه و البرزی، ۱۳۸۴). از سوی دیگر نتایج پژوهش‌های ذکر شده حاکی از تأثیر باورهای انگیزشی شکل گرفته از عوامل اجتماعی تأثیر گذار بر خلاقیت می‌باشد. بدین معنی که، هر زمان پیشایندهای محیطی موجب شکل‌گیری باورهای انگیزشی بیرونی گردند، افراد برای انجام رفتارها و فعالیت‌ها، وابسته به نظر و دیدگاه دیگران می‌شوند و افکار و رفتارهای خلاقانه پرورش پیدا نمی‌کنند و هر زمان پیشایندهای محیطی موجب حفظ، ایجاد و یا افزایش انگیزش درونی گردند، اندیشه‌های خلاقانه بروز می‌نماید. در کل می‌توان گفت والدین از مهم‌ترین منابع انگیزشی و شناختی فرزندان در رفتارهای خلاقانه می‌باشند، که می‌توانند شرایط محیطی را به گونه‌ای فراهم سازند که باورهای انگیزشی و فرایندهای شناختی کودکان در جهت رشد افکار خلاقانه پرورش یابند. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از اهمیت نقش والدین با واسطه‌گری باورهای انگیزشی در خلاقیت اجتماعی کودکان بود. به بیان دیگر اثرات مستقیم و غیرمستقیم در این رابطه علی‌الاهمیت بسزایی در تبیین و برنامه‌ریزی مهارت‌های اجتماعی کودکان به ویژه در مقطع ابتدایی دارد. با توجه به نقش و ضرورت خلاقیت اجتماعی بر زندگی فردی و اجتماعی کودکان پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های جامع‌تری با در نظر گرفتن مجموعه گسترده‌ای از متغیرهای فردی و اجتماعی پیرامون خلاقیت اجتماعی در کودکان هم بصورت کمی و هم بصورت کیفی و ترکیبی انجام گیرد و با توجه به تفاوت‌های فرهنگی شیوه‌های پرورش و آموزش خلاقیت تهیه گردد. انجام پژوهش‌های آزمایشی نیز توصیه می‌گردد. همچنین باتوجه به این که پژوهش حاضر ادراک کودک را از رفتارهای والدین می‌سنجید پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی بصورت همزمان ادراک والدین از شیوه‌های رفتاریشان نیز مورد بررسی قرارگیرد تا تبیین بهتری برای یافته‌ها انجام گیرد و نقش فرایندها و مکانیزم‌های والدین بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. در نهایت پیشنهاد می‌گردد پژوهش حاضر در گروه‌های سنی مختلف نیز تکرار گردد.

یادداشت‌ها

1-Social creativity	8-Perceptions of Parents Scales
2-External regulation	9-Involvement
3-Introjected regulation	10-Autonomy supportive
4-Identified regulation	11- Groulnik, Deci& Ryan
5-Internal regulation	12- Torrance
6-Kemptoner	13- Guilford
7-Craft	14-Friendship Self Regulation Questionnaire (SRQ_F)

منابع

الف. فارسی

البرزی، محبوبه (پذیرش چاپ). بررسی رابطه نگرش به خلاقیت و خلاقیت اجتماعی در کودکان با واسطه‌گری هسته کنترل. دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های آموزش و یادگیری.

البرزی، محبوبه (۱۳۹۲). خلاقیت اجتماعی در کودکان پیش‌دبستان. رشد آموزش پیش‌دبستان، ۵ (۱۰)، ۴-۱۳.

البرزی، محبوبه (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های ارتباطی معلمان با خلاقیت شناختی دانش‌آموزان براساس باورهای شناختی و انگیزشی آنان، فصلنامه روان‌شناسی معاصر، ۵ (۲) ۳۳-۴۶.

البرزی، محبوبه (۱۳۸۶). تبیین واسطه‌گری باورهای انگیزشی در مدل خلاقیت کودکان با رویکرد به متغیرهای خانوادگی، مدرسه‌ای و باورهای اسنادی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، رساله دکتری، دانشگاه شیراز.

البرزی، محبوبه، جوکار، بهرام، خیر، محمد (۱۳۸۹). تأثیر ادراک از والدین و معلمان بر خلاقیت کودکان با توجه به باورهای انگیزشی آنان. فصلنامه روان‌شناسی، ۱۶۱، ۵۴-۱۷۵.

حسن‌زاده، مرضیه (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده، خودکارآمدی اجتماعی و خلاقیت اجتماعی دانش‌آموزان مدارس راهنمایی شیراز. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شیراز.

رضویه، اصغر، البرزی، محبوبه (۱۳۸۳). مقایسه رفتارهای خودگردان جامعه‌پسند در

مجله‌ی مطالعات آموزش و یادگیری، دوره ششم، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۹۳

کودکان تیزهوش، عادی و نابینا. مجله روان‌شناسی، ۳۰، ۱۲۸-۱۳۲.

صابری، مهدی، البرزی، محبوبه (۱۳۸۴). مقایسه رفتارهای خودگردان در روابط دوستانه در کودکان تیزهوش و عادی. تهران: هفتمین کنگره پژوهش‌های روان‌پزشکی و روان‌شناسی در ایران.

ب. انگلیسی

- Amabile, T. M. (1996). *Creativity in context*. Westview Press, Boulder, CO.
- Amabile, T. M. (2001). Beyond Talent: John Irving and the Passionate Craft of Creativity. *American Psychologist*, 56(4), 333- 336.
- Averill, J.R. (1999). Individual differences in emotional creativity: structure and correlate. *Journal of Personality*, 6, 342-371.
- Balda, S.(2001). Temperamental characteristics and paternal discipline. *Behavioural Scientist*, 2, 29-33.
- Barron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator- mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical consideration. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1173- 1182.
- Chesnokova, O., & Subbotsky, E. (2014). Social Creativity in Primary-school Children: How to Measure, Develop and Accept it. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 146, 141 – 146.
- Craft, A. (2002). *Creativity Early Years Education*. London: Continuum.
- Csikszentmihalyi, M. (1999). *Implications of a systems perspective for the study of creativity*. In R. Sternberg (Ed.), *Handbook of creativity* (pp. 312- 335). Cambridge, MA: Cambridge University Press.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The “What” and “Why” of Goal Pursuits: Human Needs and the Self- Determination of Behavior, *Psychological Inquiry*, 11(4), 227- 286.
- Domingues, J. M. (2000). *Social creativity, collective subjectivity and contemporary modernity*. New York: St. Martin’s.
- Grolnick, W.S., Ryan, R.M., & Deci, E.L. (1991). The inner resources for school achievement: Motivational mediators of children’s perceptions of their parents. *Journal of Educational Psychology*, 83, 508- 517.
- John – Steiner, V. (2000). *Creative collaboration*. New York: Oxford University Press.
- Hermansen, C. (2012). *Social Creativity*. <http://www.scibe.eu>.
- Hillary, M, & Maureen, J. (2012). Bringing Boys and Girls Together: Supporting Preschoolers' Positive Peer Relationships. *Young Children*, 67(5), 12-17.
- La Guardia, G.J. & Patrick, H. (2008). Self-Determination theory as a fundamental theory of close relationships. *Canadian Psychological Association*, 49(3), 201–209.
- Mouchiroud, C., & Lubart, T. I. (2002). Social creativity: A cross-sectional

- study of 6- to 11-yearold children. *International Journal of Behavioral Development*, 26, 60-69.
- Madjar, N. (2005). The contributions of different groups of individuals to employees creativity. *Advances in Developing Human Resources*, 7, 182-206.
- Mikami, A., Y., Lerner, M., D., Griggs, M., S., McGrath, A. & Calhoun, C., D. (2010). Parental Influence on Children with Attention-Deficit/Hyperactivity Disorder: II. Results of a Pilot Intervention Training Parents as Friendship Coaches for Children. *Journal Abnormal Child Psychology*, 38, 737-749 .
- Putallaz, M., & Sheppard, B. H.(1990). Social status and children's orientations to limited resources. *Child Development*, 61, 1086-1104.
- Rubin, J.H., & Rose-Kransor, L.(1992). *Interpersonal Problem-Solving and Social Competence in Children*. In V.B. van Hasselt & M. Hersen (Eds.), *Handbook of Social Development: A Lifespan Perspective*. New York: Oxford University Press.
- Ryan, R. M., & Connell, J. P. (1989). Perceived locus of causality and internalization: Examining reasons for acting in two domains. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 749-761.
- Schwarz, B, Stutz, M., Ledermann, T.(2012). Perceived Interparental Conflict and Early Adolescents' Friendships: The Role of Attachment Security and Emotion Regulation. *Journal of Youth and Adolescence*, 41(9), 1240-1252.
- Soenens, B. & Vansteenkiste, M.(2005). Antecedents and Outcomes of Self-Determination in 3 Life Domains: The Role of Parents' and Teachers' Autonomy Support. *Journal of Youth and Adolescence*, 34(6), 589- 604.
- Stevens, R.D.(2009). *Social problem -solving and cognitive flexibility: Relations to social skills and problem behavior of at -risk young children*. Ph.d. Seattle Pacific University.
- Verissimo, M., Santos, A., J., Vaughn, B., E., Torres, N., Monteiro, L., & Santos, O. (2011). Quality of Attachment to Father and Mother and Number of Reciprocal Friends. *Early Child Development and Care*, 181(1), 27-38.